

# زرتشت دوستدار زندگی

محمود حیدری زاده

«راه در جهان یکی است و آن راه راستی است»  
«اوستا»

زرتشت تعالیم خویش را در دورانی عرضه نمود که طی آن مردم این سرزمین از کوچ نشینی به صورت تخته قاپو درآمده و از گله چرانی به طور بیلاق و قشلاق به دامداری در اراضی محصور پرداختند. به همین دلیل سراسر تعالیم زرتشت ستایش کار، تلاش، آب، زمین، خورشید، گاو و آتش است. زرتشت هم چنین در این دوران گذار مراسم قربانی را منع نموده، ریختن شراب برخاک و رسم «سوما» را نیز حذف نمود و آیین خویش را بر پایه اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار نمود. زرتشت تابدا آنجا که می توانست آیین مزدیسنا را اصلاح و بسیاری از مقررات ناصواب و رسوم خرافی آن را حذف و اصولی درخور زمان خویش بنیان نهاد. آن گونه که تاریخ می گوید ایران از کهن ترین مراکز کشاورزی در جهان است و گندم و جو بیش از شش هزار سال است که در این سرزمین کشت می شود. کمبود آب بیشتر ساکنین این فلات را بر آن داشته تا از عهد باستان به آبیاری مصنوعی روی آورده و برای آب ارزش و بهایی والا قائل شوند.

در اوستا مکرراً مردم به کار کشاورزی تشویق شده اند. در وندیداد آمده است که: «کسی که تخم زراعت می باشد، اشویی می کارد و در ترویج آیین مردم می کوشد. پاداش چنین کسی با صد دعا و عبادت یکسان...»<sup>۱</sup>.

و در جای دیگر آمده است که: «اهورامزدا می گوید: کسی که گندم می کارد به این می ماند که راستی می افشاند و دین مزدیسنا را از پیش می برد»<sup>۲</sup>.

در جای دیگر نوشته است: «ای آفریننده جهان مادی، ای یگانه پاک، چهارمین کس که زمین را به کمال نشاط آورده کیست؟ اهورا مزدا جواب می دهد:

۱. وندیداد. فرگرد ۳، فقره ۳۱. ۲. ادبیات مزدیسنا. جلد دوم، ص ۳۰۶.

آن کس که بیشترین مقدار گندم کشت نماید، بیشترین سبزی‌ها بکارد، و بیشترین درخت‌ها غرس نماید، کسی که زمین خشک را آب دهد و زمین پررطوبت را خشک و قابل کشت نماید.<sup>۱</sup>

در دورانی که از آن سخن می‌گوییم و زرتشت نیز تعالیم خویش را برای مردمان آن دوران بیان داشته است، دامداری و تربیت حیوانات اهلی و استفاده از آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در زندگی مردم نقش مهمی برعهده داشته است. «گاو» به‌عنوان حیوانی مفید و ارزشمند در کار کشاورزی و دامداری در این میان نقش مهم‌تری را به‌خود اختصاص می‌داده است.

در بهمن یشت آمده است: «نیروی ما از گاو، اطمینان دل به گاو است، تفاخر به‌دارایی منوط به گاو است، چیرگی مرهون گاو است، خوراک از گاو است، شیار که در نتیجه آن غذا از زمین بیرون می‌آید، به‌وسیله گاو انجام می‌گیرد».<sup>۲</sup>

در فروردین یشت این اصل مهم اقتصادی توضیح داده شده است که: «روان‌های چهار پایان اهلی را می‌ستاییم، خزندگان را می‌ستاییم، پرندگان را می‌ستاییم، جانوران بیابان گرد را می‌ستاییم، چرندگان را می‌ستاییم، فروهرهای این جانوران را می‌ستاییم».<sup>۳</sup>

و ندیداد در ستایش کار و کوشش کشاورزان و دامداران می‌نویسد: «ای آفریننده جهان مادی، پنجمین جایی که زمین به‌حد اکثر شادمان است، کجاست؟... آن جایی که گله و رمه بیشتر باشد و بیشترین مقدار کود ریخته شود».<sup>۴</sup>

زرتشت ستایشگر تلاش و کار است و چون تمدن پس از یک‌جا نشینی انسان آغاز می‌شود و زرتشت نیز در همین عصر زندگی می‌کند و جویسای تمدن است، لذا آیین وی نیز سراسر ستایش زندگی، تمدن، آبادانی و یک‌جا نشینی است؛ در یشت‌ها آمده است که: «در کجا زمین بیش از همه‌جا شاد است؟ در آن‌جا که مرد پاک‌دینی‌خانه بر پا کند و آن‌خانه از آتش و شیر و زن و فرزند و گله برخوردار باشد... و گاو و راستی و علوفه و سگ و آن‌چه از برای زندگی خوش بآید، در آن‌جا فراوان باشد».<sup>۵</sup>

۱. و ندیداد. فرگرد ۳، فقره ۲۳. ۲. بهمن یشت. باب ۲۲، فقره ۶۱.

۳. فروردین یشت. ۴. و ندیداد. فرگرد ۳، فقره ۶.

۵. یشت‌ها. جلد دوم، ص ۳۰۵.

در زندگی يك‌جان‌شینی اقوام آریایی، چهار پایان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و در اوستا «اهورا مزدا نفرین می‌کند به کسی که کشتن چهارپایان را بیاموزد»<sup>۱</sup>. هم‌چنین در سرزمین ماد همواره اسب‌های ظریف و خوش‌اندام تربیت شده و مردم آن روزگار از چرم و پارچه‌های بافته، برای پوشاک و از چادرهای نم‌دین و خانه‌های چوبین و خشتی برای مسکن استفاده برده و با حفر قنوات، ایجاد ترعه و سدبندی در رونق کشاورزی می‌کوشیدند. در اوستا نیز به کرات از اسب‌های شیمه زنده، جوشن و لباس‌های زربفت، خانواده بزرگ، خانه آباد، فرزندان فراوان، گله و رمه، مزارع حاصل‌خیز یاد و ستایش شده است.

در این آیین هم‌چنین ویرانی، دروغ، جانوران مودی و انسان‌های ستمگر مورد نفرت قرار گرفته‌اند. در وندیداد آمده است که: «چه بد حال است زمین که زمان درازی بدون بذر و بذرافشان متروک و در انتظار کشاورز ماهری مانده است، مانند دوشیزه زیبایی که زمان طولانی بی‌فرزند مانده و اشتیاق شوهر خوبی را دارد»<sup>۲</sup>. کشاورزی و دامپروری تا بدان‌جا مورد ستایش زرتشت قرار می‌گیرد که آن زمان که در یکی از سرودهای وی، روح گاو از خدا می‌خواهد که: «به من رحمت زراعت ببخشی» خداوند پاسخ می‌دهد: «آفریدگار تو را از بهر دامپروران و کشتکاران آفریده است». بخشی از وندیداد نیز به ستایش کشاورزی و کشتگران اختصاص یافته است: «کسی که زمین را بادست راست و بادست چپ و با دست چپ و بادست راست می‌کارد و بارور می‌کند... صد چندان بهره خواهد برد...».

آیینی که چنین به ستایش کار و تلاش برمی‌خیزد، لاجرم «نیازمند قربانی و خون گاو و گوسفند» نیست و «هرآنکه زمین آبادان کند و به کشت و زرع پردازد و از چهارپایان سودمند نگهداری کند خداوند را از خود خوشنود سازد» و این آیین فرمان می‌دهد که «ناخوشی‌ها فرار کنید، مرگ بگریز، دیوها بگریزید، پتیاره‌ها فرار کنید، آموزگار دروغین کینه‌ور از آیین پاک بگریز، مرد ستمکار بگریز»<sup>۳</sup>.

در آیین مزدیسنا، کار و کارگر مورد توجه خاصی بوده به طوری که در زامیاد یشت همواره کارگر را برتر از سایر آفریدگان به‌شمار آورده و در یشت‌ها به مردم

۱. اوستا. گاتا ۳۲. ۲. وندیداد. فرگرد ۳، فقرة ۲۴.

۳. اردیبهشت یشت. فقرة ۷.

توصیه شده است که در پناه کار و کوشش از انواع نعمت‌های مادی بهره‌مند شوند. خوبی و خوشی موهبتی ایزدی است و انسان را از آن نباید محروم نمود. چنان که در مینوی خرد می‌آید: «کوشا و مبارز باش و نانی‌خور که از راه نیک و باکار و کوشش به دست آورده باشی و بهره‌ای از آن برای خدا و نیکوکاران کنار نهی. به خواسته دیگران چشم‌مدوز تا مال خود از دست ندهی. هر که از دسترنج دیگری خورد، چنان باشد که سر وی را در کف گرفته، مغز او را می‌خورد»<sup>۱</sup>.

صلح، آرامش و در پناه آن کار و کوشش سازنده و آفریننده همواره مورد ستایش زرتشتیان بوده است. در سروش‌یشت می‌آید: «ما صلح و سلامتی را می‌ستاییم که جنگ و ستیز را در هم شکند»<sup>۲</sup> و نیز «ما می‌ستاییم آیین مزدیسنا را که طرفدار خلع سلاح و ضد جنگ و خونریزی است»<sup>۳</sup>. و همچنین «در میان نزاع جویان آن که نزاع جوینده‌تر است بر خواهد افتاد».

در آیین زرتشت، انسان آزادی اراده دارد و این خواست اهورا مزداست و اهورا مزدا برای انسان، سعادت، خوشبختی، شادی، زمین بارور، حیوانات مفید، راستی و پاکی آرزو می‌کند و وی را تشویق می‌کند تا عهد و پیمان نگاه‌دارد: «اهورا مزدا گفت ای زرتشت اسپهتمان، تو نباید عهد و پیمان بشکنی، نه آن عهدی که تو بایک دروغ‌پرست بستنی و نه آن عهدی که تو با یک راستی‌پرست بستنی؛ چه معاهده با هر دو درست است، خواه موحد و خواه مشرک»<sup>۴</sup>.

آیین زرتشت در آن دوران پرتحول‌گذار برای زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند ارزش والایی قابل است. در یشت‌ها به زنان و اخلاق و رفتار و راه و رسم خودآرایی آنان توجه شده و حقوق و تکالیف آنان را یادآوری می‌کند. در فقرات ۵۷ تا ۵۹ «ارت‌اش» آمده است که: «ایزد ارت خروش بر آورده، گل‌مندی است از زنی که فرزند نیاورد یا زنی که فرزند سقط کند، و آمیزش با چنین زنی را نهی می‌کند».

به‌طور کلی در مذهب زرتشت برخلاف مذاهب سامی برای انسان در روی زمین، سعادت و خوشی آرزو شده و «غذای فراوان و گوناگون و آذوقه بسیار و بوهای

۱. مینوی خرد. نقل از دینشاه.  
۲. سروش‌یشت، هادخت، کرده ۱۴.  
۳. یسنا ۱۲ و ۱۳.  
۴. مهریشت. فقرة ۲.

خوش و بسترها و بالش‌های آراسته و خانه‌های خوب و مستحکم و زنان و دختران نیکو با انواع زینت‌ها مثل دستبند و خلیخال و طوق و کمربند آراسته و اسب‌های تیزتك و بسیاری شادی‌ها و خوشی‌های دیگر که شایسته انسان است آرزو گردیده است. نیک پیداست که چنین آیینی بارهبنایت و انزوا مخالف و مبلغ کار و کوشش و سرزندگی است. زمین به کسی که در روی آن کشت و کار نکند می‌گوید: «تو ای کسی که بادست چپ و راست و بادست‌راست و چپ در روی من کار نکردی، تو باید در آتیه، پشت دردیگران تکیه زده و روزی خود را از آنان گدایی کنی؛ آری خوراك پس‌مانده و ریزه‌هایی که از دهان دیگران افتاد نصیب تو خواهد بود».

و چنین است که در آیین زرتشت: «می‌ستاییم همه آب‌ها را؛ می‌ستاییم همه گیاه‌ها را؛ می‌ستاییم همه مردان نیک را؛ می‌ستاییم همه زنان نیک را...» و درود می‌فرستیم «به چهارپایان، درود به چهارپایان، سخن خوش از برای چهارپایان، پیروزی از برای چهارپایان، خوراك از برای چهارپایان، چراگاه از برای چهارپایان، کشت و ورزار برای چهارپایان، که از برای خورش ما بپرورد.» و «این آب‌ها و زمین‌ها و گیاه‌ها را می‌ستاییم؛ این جاها و روستاها و چراخورها و میهن‌ها و آبخورها را می‌ستاییم» تا آب‌ها زلال‌تر و زمین‌ها بارورتر و گیاه‌ها سرسبزتر در خدمت محرومین و زحمتکشان و جای‌هاشان آزادتر و روستاهاشان آبادتر و چراخورهاشان پرغلف‌تر و میهن‌شان مستقل و سربلند و آبخورشان سرچشمه صلح و آزادی...»

سخن را با این کلام به پایان می‌بریم که: «در این جهان، بد در برابر نیک، و زشت در برابر زیباست. زندگی جنکی است میان این دو...»

می‌سرایم؛

می‌خوانم؛

می‌ستایم؛

صلح گیتی گستر پاک اهورا را

و آزادی، سرود مهر و مزدا را

عدالت، قبله‌گاه روشن انسان فردا را